

### لیگ هفدهم و تجربه‌های گرانبها

**گناه**  
**دنیاچیدری**

لیگ هفدهم هم به پایان رسید. رقابت‌هایی با پستی بلندی‌های بسیار و چالش‌هایی فراوان که هر

کدام می‌توانست کلاس درسی باشد برای تجربه‌اندوزی و یادگیری

اگر توجه آقایان را به خود جلب کرده باشد.

رقابت‌های باشگاهی آینده‌ای تمام قد از فوتبال هر کشوری است که می‌تواند استخوان بندی تیم ملی آن را شکل و همچنین سر و سامان دهد. البته به شرط آنکه به شکلی درست و اصولی برگزار شود و به دور از هر گونه فسادِی. در راه موفقیت گام بردارد. لیگ هفدهم تجربیات گرانبهای بسیاری در خود نهفته داشت که درس گرفتن از آن بدون شک می‌تواند به سود فوتبال ایران و مانع از تکرار ناگامی‌هایی باشد که این فصل گریبان تیم‌های زیادی را گرفت و آنها را با چالش‌هایی جدی مواجه کرد. اما آیا به این تجربیات گرانبها اهمیتی که باید داده می‌شود؟

کسر امتیاز و محرومیت برخی باشگاه‌ها از پنجره نقل و انتقالات مهم‌ترین مسئله‌ای بود که یک بار دیگر لزوم و اهمیت توجه به عقد قراردادها و رعایت اصول حرفه‌ای را تأکید کرد. بی‌توجهی‌ای که چالش‌های بسیاری را در پی داشت اگر چه برخی از آنها با پادربینایی‌ها و لابی‌های سیاسی به سرانجامی نسبتاً مطلوب رسید اما مابقی با جریمه‌هایی سنگین و نقره داغ شدن تیم‌هایی همراه شد که به برداشت‌های آزاد از بیت‌المال و حیف و میل کردن پول ملت عادت کردند آن‌هم به بدترین شکل ممکن که همواره به جریمه‌هایی نجومی اعمال می‌شود.اما همه تجربیات این فصل از رقابت‌های لیگ برتر تلخ نبود و تجربه‌های مفیدی هم می‌شد از لابه‌لای اتفاقات تلخ لیگ بیرون کشید که توجه به آن می‌تواند گامی باشد به سوی موفقیت‌های بعدی. تجربه‌ای که استقلال را از قعر جدول بالا کشید و در مثلث قهرمانی جای داد و نتیجه یک انتخاب درست و تصمیم حساب شده و با تفکر بود که نه فقط حیف و میلی به دنبال نداشت، که توانست نتیجه‌ای قابل اتکا نیز در پی داشته باشد و ثابت کرد فوتبال ایران برای رشد، نیازمند استفاده از مهره‌های خارجی است اما مهره‌هایی که توان به روز کردن دانش فوتبال ایران را داشته باشند و چیزی به داشته‌های آن اضافه کنند نه آنکه با به جیب زدن پول‌های کلان و بدون کوچک‌ترین بازدهی راه بازگشت را در پیش گرفته و جز برانی از خود به جای نگذارند!

لیگ هفدهم می‌توانست بهتر هم برگزار شود اگر برخی اصول حرفه‌ای آن رعایت می‌شد اما این رقابت‌ها می‌تواند تجربه‌ای برای شروع فصل بعدی و داستانی تازه در فوتبال باشد. داستانی که بتواند به رشد فوتبال کشور کمک نماید و با ارائه مهره‌های قابل اتکا، نظر کادر فنی تیم ملی را به خود جلب و استخوان بندی این تیم را قوی و محکم کند، چراکه بدون شک فوتبال ایران اپتانسیل و توانمندی‌های بسیاری دارد. که تنها نیازمند یک تفکر اصولی است که بتواند آن را هدایت کند و مانع از هزر رفتن استعدادهایش شود و مهم‌تر از آن بتواند با کوتاه کردن دست مفسدان، مانع از ایجاد حاشیه‌ها شود و زمینه را برای گام برداشتن در مسیر موفقیت هموار کند.

### نگاهی کوتاه به حاشیه‌های خاص لیگ برتر هفدهم سوئدیریت، سوئمدیریت و سوئمدیریت

**حاشیه**  
**فردردن حسن**

لیگ برتر هفدهم هر چند به پایان رسید، اما بی‌تردید حواشی آن تا مدت‌ها از ساد هواداران فوتبال نخواهد رفت. فوتبال ایران با حاشیه‌اخت پیدا کرده و جدایی این دو از هم تقریباً غیرممکن است. از اولین دوره لیگ گرفته تا همین هفدهمین دوره آن هر دوره حواشی خاص خودش را داشته‌است. نکته جالب توجه این حاشیه‌ها سرمنشأ اصلی آنها یعنی مشکلات مدیریتی حاکم بر فوتبال است که تا امروز ادامه پیدا کرده و در ادوار مختلف به شکل‌های گوناگون برای فوتبال باشگاهی ایران دردمساز شده‌ است. هفدهمین دوره لیگ برتر علاوه بر حاشیه‌هایی تکراری مانند مباحث ضعف داوری، بی‌اخلاقی‌های داخل و خارج از زمین و ضعف‌های فرهنگی حاکم بر فوتبال شاهد اوج گیری حاشیه‌های مربوط به ابهامات، کم‌کاری‌ها و اهمال‌های مدیریتی بود. مسئله‌ای که از لیگ شانزدهم آغاز شد و محرومیت‌هایی را برای باشگاه‌های بزرگی چون تراکتورسازی و استقلال رقم زد.

**جنجال بزرگ طارمی**

بدون تردید بر سبولیس به عنوان قهرمان لیگ برتر بحث برانگیزترین حاشیه این فصل را داشت. بحرانی که با ندانم‌کاری مهدی طارمی و سوئمدیریت علی اکبر طاهری در عقد قرار داد با باشگاه ریزه اسپور ترکیه می‌رفت تا طومار این تیم را به هم ببیچسد و اگر نبود دخالت مسئولان عالی‌رتبه نظام آموزشی و پرسپولیس در فوتبال ایران نمی‌دیدیم. البته سرخ‌ها ثابت این اهمال بزرگ نقره داغ شدند و محرومیت از دو پنجره نقل و انتقالات کمترین میزان محرومیتی بود که آنها را تهدید می‌کرد، هر چند پرسپولیس‌ها به لحاظ مالی هم جریمه شدند اما این بخش ماجرا از جیب مردم و بیت‌المال پرداخت شد.

**خدا حافظ نفت تهران**

قهرمان جام حذفی بودند و دومین نماینده ایران در لیگ قهرمانان آسیا، تیمی که تا همین چند فصل قبل یکی از بالانشینان جدول رده‌بندی لیگ برتر بود و پا به پای سرخابی‌ها برای قهرمانی و آسیا می‌جنگید اما در پایان لیگ هفدهم حکم سقوطش به دسته اول امضا شد. نفت تهران هم به فاصله تیم‌هایی چون پاس، صبا و راه‌آهن پیوست. مشکلات مدیریتی نفت این فصل به اوج خود رسید. با کناره‌گیری وزارت نفت از تیمداری، باشگاه بی‌سر و صاحب‌انقدر از این دست به آن دست شد و سرسرمربی عوض کرد که با کسب رتبه پانزدهم به لیگ دسته اول سقوط کرد و حالا باید چشم به راه آینده‌ای تاریک چون سه تیم خوب تهرانی دیگر باشد.

**پدیده‌ای که حادث نشد!**

پدیده مشهد دیگر تیمی بود که به لحاظ عدم اجرای تعهدات مالی از سوی مدیریت باشگاه با مشکل روبه‌رو شد. پدیده‌ای که واقعا می‌توانست در لیگ هفدهم پدیده رقابت‌های فوتبال باشگاهی باشد اما کسر شش امتیاز به خاطر شکایت و محکوم شدن در دادگاه عالی ورزش باعث شد تا تیم خوب مشهدی با بحرانی جدی روبه‌رو شود و البته خوش شانس بود که توانست خود را جمع و جور کند و بیشتر سقوط نکند. نگاه به این سه مورد از مشکلات مدیریتی حاکم بر فوتبال ثابت می‌کند که بسیاری از باشگاه‌ها ما با این معضلات دست به‌گریبان هستند و این مسائل می‌تواند در لیگ‌های آینده برای هر کدام از تیم‌ها و باشگاه‌ها در درمساز شود؛حاشیه‌هایی که اگر فکری به حال آنها نشود به طور قطع ضربه جبران‌ناپذیری به فوتبال باشگاهی خواهد زد.

جلال چراغپور کارشناس فوتبال در گفت‌وگو با «جوان»:

# این لیگ نمی‌تواند نیاز تیم ملی فوتبال را تأمین کند



فصل هفدهم ایران

ما در بین آنها ترسبه هفتم را داریم؛ ما باید نگاهی آسیب‌شناسانه به این قضیه کرد؛ مثل پزشکی که می‌خواهد بیماری را درمان کند. در واقع لیگ فوتبال ایران مریض است.

**با توجه به جایگاه پایین لیگ برتر، در این فصل از رقابت‌ها چه کم و کاستی‌هایی وجود داشت؟**

یکی از اهداف برگزاری لیگ برکردن اوقات فراغت مردم است؛ لیگ‌های رشته‌های مختلف برگزار می‌شود اما فوتبال هوادار بیشتری دارد و بالطبع استقبال از این رشته به مراتب بیشتر است. تغذیه فکری جامعه یکی دیگر از این اهداف است؛ رسانه‌ها روزنامه‌ها توجه زیادی به فوتبال دارند و بخش اعظم وقت و صفحات خود را به این رشته اختصاص می‌دهند اما موضوعی که در سایه حرکت می‌کند این است که لیگ باید تیم ملی را هم بسازد. در این حقیقت لیگ به مثابه کارخانه‌ای است که کارگران در حال کار هستند و در نهایت باید محصول ملی تولید کنند. درست است که کارلوس کرش تیم ملی را از اقصی نقاط جهان درست می‌کند اما این مسئله نشان می‌دهد که این کارخانه نمی‌تواند نیاز داخلی خود را تأمین کند. احتمالاً برخی می‌گویند این بازیکنان شاغل در خارج از کشور در فوتبال ایران



**لیگ به مثابه کارخانه‌ای است که کارگران در حال کار هستند و در نهایت باید محصول ملی تولید کنند. درست است که کارلوس کرش تیم ملی را از اقصی نقاط جهان درست می‌کند اما این مسئله نشان می‌دهد که این کارخانه نمی‌تواند نیاز داخلی خود را تأمین کند**

هفتمی لیگ کشورمان در قاره کهن داده نمی‌شود. مگر در آسیا چند لیگ معتبر وجود دارد که تازه

بررسی فراز و نشیب‌های هفدهمین دوره لیگ برتر فوتبال

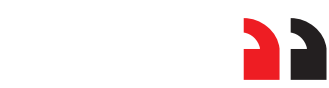
## از احیای آبی‌ها با شفر تا کابوس سپاهان



روی نیمکت این تیم نبود تا جنگ قهرمانی دیدنی شود. با این حال آبی‌ها لیگ هفدهم را که با علیرضا منصوریان ناامید کننده آغاز کرده بودند، از دربی رفت و هفته دهم و با آمدن شفر آلمانی از این رو به آن رو شدند. استقلال هر چند در اولین بازی با شفر به پرسپولیس در دربی باخت اما با توجه به زمان کوتاهی که از انتخابش به عنوان سرمربی

می‌گذشت، فرصتی برای آماده‌سازی تیمش در دربی نداشت. در ادامه هفته به هفته که گذشت تأثیرات حضور شفر در استقلال بیشتر از همیشه خودش را نشان داد. تیم ناآماده منصوریان پس از چند هفته کار با شفر تبدیل به تیمی شده بود که هم چشم‌نواز بازی می‌کرد و هم روی نوار برد افتاده بود. آبی‌ها که با منصوریان در ۹ هفته ابتدایی لیگ، چهار شکست را تجربه کرده بودند، با شفر

آلمانی در ۲۱ بازی تنها دو بار باختند تا به سرعت در جدول بالا بیایند و اگر امتیاز از دست دادن اول فصلشان نبود، می‌توانستند رقیب جدی‌ای برای



**پرسپولیس‌ها با برد ۳ بر صفر مقابل پدیده در هفته آخر، لیگ را با خاطره خوش به پایان رساندند. این چهارمین قهرمانی قرمزها در لیگ برتر بود.**

**آنها با ۴۸ گل زده و ۱۵ گل خورده آمار بهترین خط حمله و خط دفاع را به نام خودشان ثبت کردند و مانند دو فصل پیش باز هم آقای گلی به یک**

**پرسپولیس‌ی رسید و علی علیپور با ۱۹ گل در صدر جدول گلزنان قرار گرفت**

پرسپولیس در راه قهرمانی باشند. با این حال آبی‌ها در نهایت با ۵۴ امتیاز و کسب رده سومی لیگ هفدهم را به پایان رساندند، رده‌ای که بیشتر از هر چیزی مدیون دانش و مدیریت شفر هستند و از همین حالا برای لیگ هجدهم خط و نشان‌ها را برای آماج آغاز کرده‌اند.
**یک‌ی‌بالا، یکی پایین**
تیم‌های اصفهانی در لیگ هفدهم دو روی یک سنسکه بودند، یکی در اوج و یکی در قعر، آن هم در شرایطی که تا چند فصل پیش هم ذوب آهن و هم سپاهان در آن بالای جدول، جزو تیم‌های مدعی بودند. حکایت لیگ هفدهم اما فراق می‌کرد و ذوبی‌ها بالانشین بودند و سپاهانی‌ها در ته جدول. ذوبی‌ها با لیگ را خوب آغاز نکردند، نتایج ضعیف تیم قلعه‌نویی تا نیم فصل هم ادامه داشت و چهار برد در ۱۵ هفته اول به خوبی گویای همه چیز بود. نتایجی که سبب شده بود تا شایعه برکناری امیر قلعه‌نویی هم قوت بگیرد. با آغاز نیم فصل دوم اما

جباروف در پست مهاجم سایه استفاده می‌کند. حضور مربیان خارجی چون برانکو و شفر چه تأثیری در لیگ برتر داشته است؟

لیگ ایران ششیه مغاز‌هایی است که سال‌هاست تغییری نکرده‌اند. مربیان ما هم فقط جایشان عوض و بین تیم‌ها جابه‌جا می‌شوند. این هم یکی دیگر از اشکالات فوتبال ماست. سرمان را مثل کبک زیر برف کرده‌ام و نمی‌خواهیم علل هفتم بودن لیگ برتر مان را در قاره اعلام کنیم. در صورتی که سطح مربیگری در فوتبال ثابت و پایین است. ۲۵- ۲۰ مربی ثابت هستند که از یک تیم به تیم دیگر می‌روند. تازه بازیکن و دستیار هم به آنها تحمیل می‌شود. همین مسائل نمره لیگمان را پایین آورده است. در این وانفسا بیش از ۱۰ سال است که برانکو با بلاژوویچ به ایران آمد و سه سال است هدایت پرسپولیس را بر عهده دارد. مربی تحصیلکرده‌ای است. با اینکه ریسک نمی‌کند و چیز تازه‌ای به تیمش اضافه نکرده اما باز هم تمریناتشان را کاملاً منضبط پیگیری می‌کند. هسر فکری که با تفکراتش در تضاد باشد در هر شرایطی آن را کنار می‌زند. در این چند سال بازیکنانی مثل عالیشاه، محمد نوری و... توانستند خودشان را با سیستم برانکو وفق دهند به همین خاطر کنار گذاشته شده‌اند. تفکر برانکو تفکری نو نیست ولی از آنجا که سطح مربیگری در ایران ثابت است و برانکو از اروپای شرقی آمده‌ا سطح فوتبال ما قوی‌تر است. به همین خاطر در دو سال اخیر خیلی زود قهرمانی پرسپولیس قطعی شد.

**شفر هم توانست استقلال را از بحران خارج کند.**

شفر هم که همین اواخر به ایران آمد درس بزرگی به سایر مربیان داد. تا پیش از این یکی از مربیان هر وقت تیم می‌گرفت اعلام می‌کرد برای نتیجه گرفتن به سه سال زمان نیاز دارد. متأسفانه ما هم قبول می‌کردیم در حالی که شفر به ما یاد داد در عرض سه ماه نیز می‌توان با دانش نوین، تکنوسوزی و کلاس تیم را درست کرد. سه سال زمان برای کسی است که در رده هفتم اسبقا قرار دارد و سه ماه برای کسی است که از فوتبال آلمان می‌آید. شفر از داشته‌هایش استفاده کرد، با یک کارمزی خوب، بر خورد پدانه، شناخت پست و تمرینات خوب استقلال را انجام داد.

**لیگ هفدهم پدیده‌ای هم داشت؟**

نمی‌توان گفت پدیده‌ای نداشتیم. به عنوان مثال بین ۵۰ بچه‌ای از فوتبال بازی می‌کنند بالاخره یک نفر پدیده می‌شود. کار شفر فوق‌العاده بود. بر چشم آمد از طرف دیگر تیم علی دایی نیز نکات مثبت زیادی داشت و معلوم بود با تفکرات مدرن فوتبال بازی می‌کنند. پرسپولیس هم خیلی منظم بود و از شکل تازه فوتبال جهانی اثری در آن دیده نشد. پرسپولیس بر سیستم small sided game متکی بود. در این سیستم تأکید بر بازیکنان کناری است و با همین روش توانستند از حریفان فاصله بگیرند.

لیگ، نایب قهرمان شوند.

آن سو اما سپاهان نقطه مقابل ذوب بود. سپاهانی‌ها که چند فصلی است از روزهای خوششان فاصله گرفته‌اند. در لیگ هفدهم هم همان روند نزولی قبل را البته این بار با شیب تندتر ادامه دادند، طوری که خوش شانس بودند که تنها دو تیم از لیگ برتر سقوط می‌کند. سپاهان با قرار گرفتن در رده چهاردهم لیگ، فصل کابوس وارش را به پایان رساند. سپاهان که لیگ را با کرانچرا آغاز کرده بود، در ادامه با اخراج مربی کرواتش و آمدن منصور ابراهیم‌زاده هم نتوانست از بحران خارج شود تا لیگ هفدهم را به بدترین شکل ممکن و در رده سوم از آخر جدول به پایان برساند و خوشحال باشند که سه تیم دسته اولی نمی‌شد.

**تیم‌های ویژه لیگ هفدهم**

سایید از همان ابتدای فصل می‌شد حسس زد که سپاه‌جنگان و نفت جزو گزینه‌های سقوط خواهند بود، دو تیمی که در نهایت هم با قسار گرفتن در رده‌های شانزدهم و پانزدهم دسته اولی شدند. سپاه‌جنگان که فصل پیش هم در دقیقه نود در لیگ ماندگار شده بود، با اشتباه مدیریتی و تغییر چهارباره کادر فنی در نهایت در فاصله چند هفته به آخر لیگ به دسته اول سقوط کرد. نفت هم که توجه به تغییر مالکیتش و حاشیه‌هایی که در اینباره داشت و تغییر چند باره کادر فنی، در نهایت تیمی که فصل پیش قهرمان جام حذفی شده بود، در پایان لیگ هفدهم به دسته اول سقوط کرد.